



تحلیل تلمیحات قرآنی با تکیه بر داستان پیامبران در روضه‌الانوار خواجهی کرمانی

گیتا پورباقر^۱، منیژه فلاحی^۲، رضا فهیمی^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، gitapourbagher@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، fallahi@iau-saveh.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، fahimi@iau-saveh.ac.ir

چکیده

با سیری اجمالی در آثار منظوم و منثور هزار ساله فارسی درمی‌یابیم که دامنه تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی چنان ریشه‌دار و گسترده است و برای دست‌یابی و جمع و تلفیق و تنظیم آثار بهره‌ور از قرآن سال‌ها وقت لازم است. خواجهی کرمانی یکی از شاعرانی است که از قرآن و آیات شریفه آن در آثارش بسیار بهره برده است. او از آیات قرآنی به شیوه‌های گوناگونی استفاده کرده است و در برخی موارد به این آیات صیغه عرفانی بخشیده است. وی در منظومه روضه‌الانوار به موضوعات متنوعی همچون قصص قرآنی، نام پیامبران، قیامت، دوزخ و بهشت، معراج پیغمبر و... که دارای بسامد بیشتر می‌باشد، بهره جسته است. گاهی در یک بیت شعر ممکن است به بیشتر از یک آیه التفات کند. در این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی آیات قرآنی که در مثنوی روضه‌الانوار به کار گرفته شده است، استخراج و بررسی شده و به صورت طبقه‌بندی ارائه گردیده است. طبق بررسی در این پژوهش، خواجهی کرمانی در مثنوی روضه‌الانوار اشاره مستقیم و غیرمستقیم به آیه یا لفظی از قرآن مجید کرده است، که طبق این بررسی نام مقدس خداوند در این مثنوی بیشتر از سایر موارد استفاده شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی تلمیحات قرآنی در روضه‌الانوار خواجهی کرمانی.
۲. تحلیل تلمیحات قرآنی خواجهی کرمانی در روضه‌الانوار با تکیه بر داستان پیامبران.

سؤالات پژوهش:

۱. تلمیحات قرآنی در روضه‌الانوار خواجهی کرمانی چه جایگاهی دارد؟
۲. داستان‌های قرآنی پیامبران در روضه‌الانوار خواجهی کرمانی چه بازتابی یافته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۰

دوره ۲۰

صفحه ۶۳۹ الی ۶۶۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

خواجهی کرمانی، روضه‌الانوار، تلمیح، اشارات قرآنی.

ارجاع به این مقاله

پور باقر، گیتا، فلاحی، منیژه، فهیمی، رضا. (۱۴۰۲). تحلیل تلمیحات قرآنی با تکیه برداستان پیامبران در روضه‌الانوار خواجهی کرمانی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۰)، ۶۳۹-۶۶۱.

doi dx.doi.org/10.22034/IAS.17357081402205034

مقدمه

پیشینه تجلی قرآن و حدیث در ادب پارسی، به آغاز نضج زبان و ادبیات پارسی در ایران پس از اسلام - که محور اصلی تعالیم آن، قرآن و زبان عربی بود برمی‌گردد. قرآن به‌عنوان یکی از سرمایه‌های جاودانه و ارزنده ایرانیان در حوزه ادب پارسی است، که همواره دست‌مایه شاعران و گویندگان عارفی چون عطار و سنایی و مولوی و خواجه و دیگر بزرگان ادب پارسی قرار گرفته است. تأثیرپذیری از سرچشمه‌های ناب کلام الهی، به‌صورت اقتباس و حل و عقد و درج و تلمیح و غیره، بوده است. خواجه کرمانی، شاعر نام‌آور و عارف گران‌مایه سده هشتم، رویکردی جدی و متفاوت به استفاده آیات قرآن داشته است. بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های شعر و ادب فارسی خواجه کرمانی است که نه تنها شور کلامش او را نخبند شعرا لقب داده است، بلکه غزل‌سرای سترگی چون حضرت خواجه شیراز به بهره‌گیری از کلام منظوم او می‌نازد. استعداد و نبوغ این فرزانه تاریخ ادب در جای جای اشعار و گفتارش به‌خوبی پیداست.

قرآن در جای‌جای سخن خواجه جلوه‌گر است. خواجه به دلیل نزدیکی و انسی که با کلام الهی و روایات اسلامی دارد، برداشت‌های مختلفی از این انوار الهی ارائه می‌دهد که از جمله می‌توان به آرایه‌های ادبی همچون: تلمیح، اقتباس، ترجمه، ارسال‌المثل... اشاره کرد. از آنجا که دامنه موضوعات به‌کار رفته در آثار خواجه کرمانی بسیار گسترده است، این تحقیق، ضمن بررسی تجلی قرآن در اشعار خواجه، به رویکرد خلاقانه این شاعر به قصص انبیاء و به کارگیری تلمیح منجمله کاربرد خاص آیات مکی و مدنی و نحوه استفاده از آن‌ها در روضه‌الانوار و نیز نحوه خاص استفاده آیات در اشعارش می‌پردازد، و پژوهشگران با مطالعه این مقاله به توجه خواجه به این موضوع، بیشتر آشنا می‌شوند.

درخصوص پیشینه پژوهش باید به موارد زیر اشاره کرد؛ احمدی امرجی (۱۳۹۵) در کتاب «تجلی قرآن و احادیث در دیوان اشعار خواجه کرمانی» به این موضوع پرداخته است. مرزبان راد (۱۳۷۰) در مقاله‌ای با عنوان «تجلیاتی از قرآن و حدیث در دیوان خواجه کرمانی» به چگونگی کاربرد آیات قرآنی در دیوان خواجه پرداخته است. در آثار ذکر شده تحلیل‌ها با تکیه بر داستان‌های پیامبران در روضه‌الانوار نمی‌باشد. با این تفاسیر پژوهش حاضر که به روش کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی انجام شده است، ضمن مطالعه همه آیات به‌کار رفته در کتاب روضه‌الانوار خواجه کرمانی که بالغ بر حدود هفتاد آیه بوده است، ابیاتی را که به خداوند و داستان پیامبران اشاره و تلمیح داشته فیش‌برداری شده و سپس طبقه‌بندی نموده و ارائه شده است.

۱. خواجه کرمانی

کمال‌الدین ابوالعطا محمدبن‌علی بن‌محمود مُرشدی کرمانی عارف بزرگ و شاعر استاد ایران در قرن هشتم هجری ملقب به خواجه کرمانی و نَخْلَبِنْدِ شُعْرَاست. نسبت «مُرشدی» را برای او حاج خلیفه آورده و «عنوان نَخْلَبِنْدِ شُعْرَا» که به وی داده شده در غالب مآخذ تکرار گردیده است، و اگر روایت حاج خلیفه را به سند قاطع قبول داشته باشیم

باید «خَلَّاقُ الْمَعَانِي» و «مَلِكُ الْفَضَلَا» را هم بر القاب او بیفزاییم و لقب اخیر را دولت‌شاه هم تکرار کرده است. تخلص او در همه اشعارش خواجه است (صفا، ۱۳۷۲: ۸۸۷-۸۸۸).

خواجه مرید شیخ امین‌الدین کازرونی امام طریقهٔ مرشدی و کازرونیه بوده که علاوه بر قصیده‌ای که در مدح او دارد همه جا در مثنوی‌های خود او را ستوده است ولی در حین سفر به صحبت علاءالدوله سمنانی از مشاهیر متصوفه عصر می‌رسد و بدو نیز دست ارادت می‌دهد (نیازی کرمانی، ۱۳۷۰: ۲۶).

۲. مثنوی روضه‌الانوار

منظومه‌ایست از متفرعات بحر سریع یعنی بحر سریع مطوی مقطوع مکشوف یا موقوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن، یا: فاعلان) که خواجه آن را به پیروی از منظومهٔ مشهور مخزن‌الاسرار نظامی و بر همان سیاق ساخت. این منظومه اندکی بیشتر از دو هزار بیت دارد و شاعر آن را بعد از ذکر مقدمات در بیست مقاله و هر مقاله‌یی را در یک مقدمه و یک حکایت و استنتاج از آن پرداخته و در آن مقالات مباحثی از اخلاق و عرفان را مطرح کرده و یک‌جا نیز وصف حالی رسا از خود، تا آنجا که معتکف درگاه مرشد خویش گردیده بود، آورده است (صفا، ۱۳۷۲: ۸۹۹-۹۰۰). خواجه این مثنوی را که ۲۲۲۴ بیت است به نام شمس‌الدین محمد صاین قاضی آغاز و به نام شیخ مرشد ابواسحق کازرونی و شیخ امین‌الدین کازرونی تمام کرده و سومین مثنوی از خمسه اوست. روضه‌الانوار شامل هفده مقاله در سیر و سلوک می‌باشد و به سال ۷۴۳ پایان یافته است (خوانساری، ۱۳۹۱: ۷۰).

۳. تلمیح

تلمیح از صنایع معنوی در علم بدیع است. تلمیح در لغت به معنای به گوشه چشم نگریستن است و در اصطلاح اشاره به آیه، حدیث، مثل، داستان یا شعری مشهور با حداقل کلمات است تا با تداعی شدن آن‌ها مقصود گوینده واضح‌تر و مطلبش مؤثرتر شود (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۶).

تلمیح از جمله شگردها و فنونی است که شاعر با ایجاز و اختصار و همچنین گسترش معنا برای بیان مقصود و زیبایی کلام از آن بهره می‌گیرد. تلمیح آوردن اشارتی ضمنی به گذشته‌های دور اساطیر و داستان‌های معروف و زبانزد در شعر است که آوردن امثال و آیات و احادیث هم می‌تواند مشمول تلمیح گردد. برای درک و فهم عبارت و ابیاتی که در آن تلمیح وجود دارد، اطلاع و آگاهی کامل از داستان، شعر و مثل ضرورت دارد، زیرا این شناخت و آگاهی باعث درک بهتر اثر و دیدگاه شاعر یا نویسنده می‌شود و شیرینی کلام او را دوچندان می‌کند (قندی، ۱۳۹۴: ۹۵).

۴. تلمیحات قرآنی با تکیه بر داستان پیامبران در روضه‌الانوار

خواجوی کرمانی سُراینده منظومه روضه‌الانوار به طُرُق مختلف از قرآن و آیات آن در منظومهٔ خویش مستفیض گشته است. گاهی تمام آیه و یا گاهی قسمتی از آن را و گاهی نیز معنی آن را به کلام خویش درآمیخته و از آن بهره گرفته است. ولی در شعر به علت مقید بودنش به وزن و قافیه، آوردن تمام آیه، کم‌تر معمول و میسر بوده است. در

عوض اجزاء و ترکیبات و یا مفهوم و ترجمه آن‌ها فراوان زینت بخش این منظومه گردیده است، که در این پژوهش تنها به قسمتی از آن‌ها اشاره می‌شود که بیشتر مربوط به خداوند متعال، پیامبران، قیامت و قصص انبیاء... است.

۴،۱. خداوند

زَيْنَتِ الرَّوَضَةِ فِي الْأَوَّلِ بِسْمِ اللَّهِ الصَّمَدِ الْمُفْضِلِ

(روضه‌الانوار: ۱)

گر نشدی قدرت او رهنمون کاف ندادی خبر از حرف و نون

(روضه‌الانوار: ۲)

مصرع دوم تلمیح و اشاره دارد به آیه شریفه:

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. (سوره یس، آیه: ۸۲)

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود.

این بیت در ستایش خداوند است.

در مصرع دوم بسم الله، حل است از آیه شریفه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (سوره فاتحه، آیه: ۱)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

در مصرع دوم صمد اقتباس است از آیه شریفه:

اللَّهُ الصَّمَدُ. (سوره اخلاص، آیه: ۲)

خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند.

در مصرع دوم مفضل اقتباس است از آیه شریفه:

وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. (سوره بقره، آیه: ۱۰۵)

و خداوند، صاحب فضل بزرگ است.

خشت زر افکنده بر ایوان بام داده به مه سلطنت ملک شام

(روضه‌الانوار: ۲)

بیت ترجمه است از آیه شریفه:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (سوره آل عمران، آیه: ۲۶)

بگو: «بارالها! مالک حکومت‌ها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به‌دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری.

از گل (خواجه) چو شود خاک راه لاله تهلیل دم‌د چون گیاه

(روضه‌الانوار: ۳)

در مصرع دوم تهلیل: لا اله الا الله... گفتن است.

و اشاره دارد به آیه شریفه:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ... (سوره بقره، آیه: ۲۵۵)

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده...

چنبر فیروزه به هم در شکن منظر شش روزه به هم در فکن

(روضه‌الانوار: ۵)

در مصرع دوم «منظر شش روز» اشاره دارد به آیه شریفه:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ... (سوره یونس، آیه: ۳)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید.

خواننده سپهر از سر خط چمن انبت‌ه الله نباتاً حسناً

(روضه‌الانوار: ۱۵)

مصرع دوم اشاره دارد به آیه شریفه:

...وَأَنْبَتْنَا نَبَاتًا حَسَنًا... (سوره آل عمران، آیه: ۳۷)

و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)

بود سخن واسطه امر گن و نه کسی دم نزدی از سخن

(روضه‌الانوار: ۱۹)

منظور از سخن همان کلمه است، همان واژه‌ای که واسطه آفرینش موجودات شد در قرآن کریم اشاراتی در مورد کلمه آمده است.

بیت اشاره دارد به آیه شریفه:

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ... (سوره آل عمران، آیه ۴۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است؛...

دید که الحمد به الهمد خواند رخس قرائت به عبارت نراند

(روضه الانوار: ۳۱)

گر نه ز تاب دل پر جوش ماست دود درین گنبد نیلی چراست

(روضه الانوار: ۴۶: بیت ۱۴۸)

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (سوره فصلت، آیه: ۱۱)

سپس به آفرینش آسمان پرداخت؛ درحالی که به صورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آید (و شکل بگیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آن‌ها گفتند: «ما از روی طاعت می‌آییم (و شکل می‌گیریم)!»

در مصرع اول «الحمد» اقتباس است از آیه شریفه:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (سوره فاتحه، آیه ۲).

ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

از دل پر درد بنالید و گفت ای تو شناسنده قول نهفت

(روضه الانوار: ۵۳)

مصرع دوم اشاره دارد به آیه کریمه:

وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (سوره طه، آیه ۷).

اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی)، او اسرار - و حتی پنهان‌تر از آن - را نیز می‌داند.

باطن او صورت ظاهر گرفت و اول او گونه آخر گرفت

(روضه الانوار: ۸۸)

بیت بالا اشاره دارند به آیه شریفه:

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. (سوره حدید، آیه: ۳)

اول و آخر و پیدا و پنهان اوست؛ و او به هر چیز داناست.

۴/۲. رزاقیت خداوند

تیغ برازنده روز از نیام روز ده صبح دم از نیام شام

(روضه الانوار: ۲)

در مصرع اول (تیغ صبح) اضافه تشبیهی اشاره دارد به آیه کریمه:

فَالْقُلُوبُ الْبَاطِنَاتُ... (سوره انعام، آیه: ۹۶). خداوند شکافنده صبح است...

و:

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ... (سوره فاطر، آیه: ۱۳). او شب را در روز داخل می کند و روز را در شب...

شاه و گدا روزی ازو می خورند مور و ملخ قسمت ازو می برند

(روضه الانوار: ۳۵)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا... (سوره هود، آیه ۶).

هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست...

۴/۳. قیامت

از نفس صور قیامت بترس وز شب دیجور ندامت بترس

(روضه الانوار: ۶۳)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه:

وَنَفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعْدِ (سوره ق، آیه: ۲۰).

و در «صور» دمیده می شود؛ آن روز، روز تحقق وعده وحشتناک است.

زر چه شماری که به روز شمار سیم و زرت هیچ نیاید به کار

(روضه الانوار: ۶۳)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ. (سوره آل عمران، آیه: ۱۰).

ثروت‌ها و فرزندانِ کسانی که کافر شدند، نمی‌تواند آنان را از (عذاب) خداوند باز دارد؛ (و از کیفر، رهایی بخشد.) و آنان خود، آتشگیره دوزخند.

گه ز خرابات یکی باده خوار خیمه ز نند بر در دارالقرار

(روضه‌الانوار: ۷۵)

در مصرع دوم «دارالقرار» اشاره دارد به آیه شریفه: يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِيَ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ. (سوره غافر، آیه: ۳۹)

ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است؛ و آخرت سرای همیشگی است!

۴/۴ . بهشت

یافته این منظر زنگار فام از نظرش رونق دارالسلام

(روضه‌الانوار: ۶)

در مصرع دوم «دارالسلام» خانه سلامت، بهشت است و اقتباس از آیه شریفه:

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سوره انعام، آیه: ۱۲۷).

برای آن‌ها (در بهشت) خانه امن و امان نزد پروردگارشان خواهد بود؛ و او، ولی و یاور آن‌هاست به‌خاطر اعمال (نیکی) که انجام می‌دادند.

گنبد شش روزن پیروزه خشت گشته دل افروز چو باغ بهشت

(روضه‌الانوار: ۱۴)

فارغ ازین طارم پیروزه خشت وز سقر آزاد و ملول از بهشت

(روضه‌الانوار: ۲۳)

روضه معنیست بهشت و تو حور عالم صورت ظلمات و تو نور

(روضه‌الانوار: ۲۵)

باغ بهشتی و خرد حور تو شمع فلک مقتبس از نور تو

(روضه‌الانوار: ۲۷)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه:

عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا... (سوره آل عمران، آیه: ۱۵)؛ در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد؛

هشت بهشت از گذرش یافتم	وینهمه زآن یک نظرش یافتم
عشق بهشت است و روان حور او	مهر چراغ است و جهان نور او
عاقبت الامر گذشتند و رفت	هر چه بکشتند بهشتند و رفت
دید بهشتی همه حوری در او	بلبل باغی گل سوری در او
طرف چمن بین چو بهشت برین	برگ سمن بین چورخ حور عین
چون دلت از مهر شود غرق نور	جنت جان بین شده مأوی حور

(روضه‌الانوار: ۳۸)

(روضه‌الانوار: ۴۴)

(روضه‌الانوار: ۶۳)

(روضه‌الانوار: ۷۶)

(روضه‌الانوار: ۸۷)

(روضه‌الانوار: ۴۵)

ابیات بالا اشاره دارند به آیه شریفه:

جان من از مرشد دین نور یافت	جنت دینم ز امین حور یافت
-----------------------------	--------------------------

كَذَلِكَ وَ زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (سوره دخان، آیه: ۵۴)؛ اینچنین‌اند بهشتیان؛ و آن‌ها را با «حور العین» تزویج می‌کنیم

(روضه‌الانوار: ۹۵)

بیت بالا اشاره دارد به آیه شریفه:

مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَ زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (سوره طور، آیه: ۲۰). این درحالی‌که بر تخت‌های صف‌کشیده در کنار هم تکیه می‌زنند، و «حور العین» را به همسری آن‌ها درمی‌آوریم!

باغ بهشتی و هواییست نیست
ابر بهاری و حیائیت نیست

(روضه‌الانوار: ۹۲)

سرو و سمن رستم و دستان بهم

گلشن و گل روضه رضوان بهم

(روضه‌الانوار: ۱۶)

بیت به آیه شریفه اشاره دارد:

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (سوره توبه، آیه: ۲۱)؛ پروردگارشان آن‌ها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغ‌هایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمت‌های جاودانه دارند؛

تا به طرب خانه رضوان رسی

جهد بکن بوک در ایشان رسی

(روضه‌الانوار: ۶۲)

بیت به آیه شریفه اشاره دارد:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (سوره مائده، آیه: ۶۵) و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آن‌ها را می‌بخشیم؛ و آن‌ها را در باغ‌های پر نعمت بهشت، وارد می‌سازیم.

نوری و از مهر درخشان جدا

حوری و از روضه رضوان جدا

(روضه‌الانوار: ۹۱)

بر گذر از حجت و برهان نگر

در گذر از روضه و رضوان نگر

(روضه‌الانوار: ۹۲)

گوهر ما چین و به عمان فرست

روضه ما بنگر و رضوان فرست

(روضه‌الانوار: ۹۸)

۴/۵. دوزخ

وز سقر آزاد و ملول از بهشت

فارغ از این طارم پیروزه خشت

(روضه‌الانوار: ۲۳)

در مصرع دوم «سقر» اقتباس از آیه شریفه:

سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ وَمَا أُدْرَاكَ مَا سَقَرٌ. (سوره مدثر، آیه ۲۶-۲۷)

(اما) بزودی او را وارد سَقَر [دوزخ] می‌کنم. و تو نمی‌دانی «سقر» چیست.

مست شراب صمدی بایزید آن که زدی نعره هل من مزید

(روضه‌الانوار: ۲۸)

بیت خطاب به بایزید بسطامی است. و به آیه شریفه اشاره دارد:

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ (سوره ق، آیه: ۳۰).

(به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنم می‌گوییم: «آیا پر شده‌ای؟» و او می‌گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟».

تیغ تو شد قلم دوزخ بخار تیر تو مریخ کواکب شکار

(روضه‌الانوار: ۹)

۴/۶. حضرت محمد(ص)

رمح عصا در ره آدم بداشت رایت احمد به فلک بر فراشت

(روضه‌الانوار: ۳)

گشت در آن ظلمت حیرت فزای خضر رهم احمد رخشنده رای

(روضه‌الانوار: ۹۷)

مصرع دوم به آیه شریفه اشاره دارد:

... وَ مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ... (سوره صف، آیه: ۶) و بشارت‌دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است!

حامل مکتوب چو کردی نزول مهر شد این نامه به نام رسول

(روضه‌الانوار: ۴۲)

داد به یزدان و رسولش قسم کای چو پیمبر به قدم و قدم

(روضه‌الانوار: ۹۴)

وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (سوره احزاب، آیه ۴۰).

ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است.

...اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (سوره آل عمران، آیه ۴۷).

«خداوند، این‌گونه هر چه را بخواهد می‌آفریند! هنگامی که چیزی را مقرر دارد (و فرمان هستی آن را صادر کند)، فقط به آن می‌گوید: «موجود باش!» آن نیز فوراً موجود می‌شود.
بیت ذیل وصف مقربان درگاه الهی است.

باده پرستان شراب السست از قدح سرمدی افتاده مسست

(روضه‌الانوار: ۲۳)

در مصرع اول «صبحی» شرابی که در هنگام صبح می‌خورند و برای رفع مستی شراب شب گذشته می‌خورند و «شراب السست» اضافه تشبیهی، «السست» مرکب از (أ) [نشانه استفهام] «لست» [فعل ماضی متکلم وحده از لیس] و مجموعاً به معنی [آیا نیستم من؟] دلالت دارد بر این موضوع که پیش از خلقت بشر، خداوند هرچه از نسل آدم فرزند خواست که باشند تا روز قیامت، همه را به‌صورت ذریاتی از پشت آدم بیرون آورد و آن‌ها به خداوندی خدا گواهی دادند و پس از آن، به‌صورت اول به پشت آدم بازگردانیده شدند. اما در عرفان اسلامی مبنای انسانیت، تعهد آدمی در قبال همین پیمانی است که در زمان ازل و آغازین یا زمان اساطیری بسته شده و کمال آدمی در گرو تحقق بخشیدن به این پیمان ازی است که با مداومت در ذکر آن صورت می‌پذیرد (یا حقی، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

در مصرع اول «السست» اقتباسی است از آیه شریفه: وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (سوره اعراف، آیه: ۱۷۲) و (به‌خاطر بیابور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آن‌ها را برگرفت؛ و آن‌ها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)».

۴/۷. معراج پیامبر(ص)

سدره نهالی ز گلستان تسست زهره چراغی ز شبستان تسست

(روضه‌الانوار: ۲۷)

مصرع اول اشاره دارد به آیه شریفه: عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى. (سوره نجم، آیه: ۱۴)؛ نزد «سدره المنتهی».

«سدره المنتهی» نام درختی بر بالای آسمان هفتم، برگش مانند گوش فیل و میوه‌اش مانند کوزه است، علم ملائک و سایر مخلوقات به آن منتهی می‌گردد. و از آن در نمی‌گذرد، هیچ موجودی جز به پیامبر اسلام در شب معراج از آن در گذشته است و آنچه ورای آن است جز خدا می‌داند (یا حقی، ۱۳۸۶: ۴۵۳).

۴/۸. حضرت آدم(ع)

آدمی خلیفه خدا بر روی زمین است. در بخشی از آیه ۳۰ از سوره بقره می‌فرماید: *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً*: همانا من در زمین خلیفه‌ای قرار دادم. و بار امانت خدا- که آن را به عشق تفسیر کرده‌اند- بر دوش آدمی است (شمیسا، ۱۳۸۷: ۳۵).

خواجو آگاهی خود را در باره سرگذشت آدم و حوا، اقامتشان از بهشت، اخراجشان از نعمات فراوان جنت، به علت فریب‌خوردگی از شیطان، آمرزش‌خواهی آنان از ربّ مهربان به صورت مختلف با اشاره به آیات قرآنی به صور مختلف به رشته نظم کشیده است.

رُمح عصا در ره آدم بداشست رایست احمد به ملک بر فراشت

(روضه‌الانوار: ۳)

رُمح عصی: عصی: شبیه به عصا است (چوب دستی).

در مصرع اول عصی اقتباس از آیه شریفه:

وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (سوره طه، آیه: ۱۲۱)؛ آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد.

ارقم عصیان مرا سر بکن کرکس طغیان مرا پر بکن

(روضه‌الانوار: ۵)

در مصرع اول: «ارقم» مار سیاه و سفید، ارقم عصیان تلمیح است به عصیان آدم.

بیت اشاره دارد به آیه شریفه:

.....وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (سوره طه، آیه: ۱۲۱)؛ ...و آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد.

بیت تلمیح به داستانی دارد که در آیات شریفه مربوط به آدم و حوا هم چون آیات ذیل بیان گردیده است.

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (سوره بقره، آیه: ۳۵)؛ و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و از (نعمتهای) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید؛ (اما) نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد.

وَقَالَسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (سوره اعراف، آیه: ۲۱)؛ و برای آن‌ها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم.

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (سوره طه، آیه: ۱۲۱)؛ سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت)، و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگ‌های (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد.

کَهْفِ بَشْرٍ، مَهَبَتِ رُوحِ الْاَمِينِ بُوَالْبَشْرِ اَزْ خُرْمَنِ اَوْ خُوشَهْ چَينِ

(روضه‌الانوار: ۵)

در مصرع اول «روح‌الامین» یکی از نام‌های جبرئیل است.

اشاره دارد به آیه شریفه: قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ (سوره بقره، آیه: ۹۷)؛ (آن‌ها می‌گویند: «چون فرشته‌ای که وحی را بر تو نازل می‌کند، جبرئیل است، و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی‌آوریم!») بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) چراکه او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند؛ و هدایت و بشارت است برای مؤمنان».

اقتباس از آیه شریفه:

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْمَئِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (سوره شعرا، آیه: ۱۹۴-۱۹۳)؛ روح‌الامین آن را نازل کرده است... بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی.

در مصرع دوم بوالبشر پدر آدمیان، یکی از القاب حضرت آدم است.

و همچنین آیه شریفه:

وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ.. (سوره بقره، آیه: ۳۱)؛ سپس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت.

آن که به قدرت گل آدم سرشت تخم هوا در دل عالم بکشت

(روضه‌الانوار: ۴۳)

گر بزنی کوس خلافت رواست ز آنکه در این ملک خلافت تراست

(روضه‌الانوار: ۲۶)

این بیت در مقام مرتب انسان است، و اقتباس از آیه شریفه: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... (سوره بقره، آیه ۳۰)؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد».

۴/۹. حضرت نوح(ع)

دست برفشان و ز دستان مترس نوح به دست آر و ز طوفان مترس

(روضه الانوار: ۳۰)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه: حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ... (سوره هود، آیه ۴۰)؛ (این وضع همچنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید، و تنور جوشیدن گرفت....

هر که ز طوفان بلا رخ بتافت آب رخ نوح پیمبر نیافت

(روضه الانوار: ۷۴)

۴/۱۰. حضرت سلیمان(ع)

هد هد فکرم به هوا باز ماند بلبل طبعم ز نوا باز ماند

کس نرساند خبری بی سخن از بر بلقیس معانی به من

(روضه الانوار: ۱۸)

بیت تلمیح و اشاره به آیه شریفه: فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ. (سوره نمل، آیه: ۲۲)؛ چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام. (ابیات بالا درباره حضرت سلیمان)

دهد جان مرغ سلیمان او طوطی دل بلبل بستان او

(روضه الانوار: ۲)

هدهد اقتباس از آیه شریفه: وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ (سوره نمل، آیه: ۲۰)؛ (سلیمان) در جست‌وجوی آن پرنده [هدهد] برآمد و گفت: «چرا هدهد را نمی‌بینم، یا اینکه او از غایبان است؟

خاتم دل مهر سلیمانی است ملکت جام ملک سخن دانی است

(روضه الانوار: ۱۹)

در گذر از ملک سلیمان چو باد ز آنکه نگین از تو بخواهد فتاد

(روضه الانوار: ۲۹)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه: وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَّاحُها شَهْرٌ... (سوره سبأ، آیه: ۱۲)؛ و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و...

مور اگَر ز آنکه فراوان بود از پی تنبیه سلیمان بود

(روضه‌الانوار: ۳۰)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه:

قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (سوره نمل، آیه: ۱۸)؛
مورچه‌ای گفت: «به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند، درحالی که نمی‌فهمند!»

ملک سلیمان شو چو نکو بنگری نقش نگینست و دل انگشتری

(روضه‌الانوار: ۳۶)

جان به تکلف بر جانان میار پای ملخ نزد سلیمان میار

(روضه‌الانوار: ۴۶)

چهره (خواجه) که زرخانی است سکه اش از مهر سلیمانی است

(روضه‌الانوار: ۵۲)

در کفشش از مهر سلیمانست باد بود کان همه شیطانست

(روضه‌الانوار: ۸۰)

اهرمست ملک سلیمان گرفت تیر گیت چشمه حیوان گرفت

(روضه‌الانوار: ۸۰)

باد شده مرغ سلیمان گل باز شده گوی گریبان گل

(روضه‌الانوار: ۸۷)

ترک خطا گیر که خاقان توئی نقش نگین بین که سلیمان توئی

(روضه‌الانوار: ۹۲)

۴/۱۱. حضرت خضر(ع)

چشمه خضر از تو نمی یافته روح مسیح از تو دمی یافته

(روضه‌الانوار: ۴)

و آب خضر خاک سر کوی تو

راحت روح القدس از بوی تو

(روضه‌الانوار: ۷)

غسل بسرچشمه جان ساختم

همچو خضر بر در دل ساختم

(روضه‌الانوار: ۸)

حاتم حیدر دل خسرو نشان

خضر سکندر در موسی بنان

(روضه‌الانوار: ۹)

وز کف خضر آب حیاتم رسید

در دل من چشمه جان شد پدید

(روضه‌الانوار: ۱۴)

و آب حیات از لب جان یافته

رخ ز سیاهی چو خضر تافته

(روضه‌الانوار: ۱۵)

چشمه حیوان ز خضر دور نیست

حاصل ظلمات بجز نور نیست

(روضه‌الانوار: ۲۵)

باز به سرچشمه حیوان رسید

گر خضر اول ره ظلمت برید

(روضه‌الانوار: ۵۱)

دست ز سرچشمه حیوان بشست

زنده از آن ماند خضر کو نخست

(روضه‌الانوار: ۵۶)

چشمه حیوان ز قناعت بجوی

همچو خضر جز ره طاعت مپوی

(روضه‌الانوار: ۷۸)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه: قَالَ فَإِنْ أَتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (سوره کهف، آیه: ۷۰)؛ (خضر) گفت: «پس اگر می‌خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز می‌پرس تا خودم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.»

خضر ره هم احمد رخشنده رای

گشت در آن ظلمت حیرت فزای

(روضه‌الانوار: ۹۷)

یــــش رو قافلــــه کاینــــات خضــــر روان را شــــده آب حیاــــت

(روضه‌الانوار: ۶۰)

در ره یاجوج هوس کشته شد بر گذر صید جنایت اسد

(روضه‌الانوار: ۶۰)

مصراع اول اشاره دارد به آیه کریمه:

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (سوره کهف، آیه ۹۴). (آن گروه به او) گفتند: «ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند؛ آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آنها سدّی ایجاد کنی؟».

۴/۱۲. حضرت عیسی (ع)

من که دم از منطق عیسی زخم کوس سخن بر در معنی زخم

(روضه‌الانوار: ۴۱)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ سُبْحَانَكَ وَرَأْفِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (سوره آل عمران، آیه ۵۵)؛ (به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: «من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می‌کنم.

طبع سخن سنج کف موسویست خوان سخن مائده عیسویست

(روضه‌الانوار: ۱۹)

بیت اشاره دارد به آیه کریمه: وَ اضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سَوْءِ آيَةٍ أُخْرَىٰ. (سوره طه، آیه ۲۲)؛ و دستت را به گریبان ببر، تا سفید و بی‌عیب بیرون آید؛ این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است.

در مصراع دوم «مائده عیسوی» اشاره دارد به آیه کریمه: إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ...

در آن هنگام که حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟»....

هر که دم از نطق مسیحا زند همچو مسیحا دم از احیا زند

(روضه الانوار: ۸۹)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه: وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ... (آل عمران، آیه: ۴۹)؛ کور مادرزاد و مبتلایان به برص [پسی] را بهبودی می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛

فرش ملون کندش در چمن روح مسیحا دم‌دش در بدن

(روضه الانوار: ۹۳)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه: وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ تَبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي (سوره مائده، آیه: ۱۱۰)؛ و هنگامی که به فرمان من، از گل چیزی به صورت پرنده می‌ساختی، و در آن می‌دمیدی، و به فرمان من، پرنده‌ای می‌شد؛ و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پسی را به فرمان من، شفا می‌دادی؛ و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می‌کردی.

۴/۱۳. حضرت موسی (ع)

خضر سکندر در موسی بنان حاتم حیدر دل خسرو نشان

(روضه الانوار: ۹)

قدر تو شد موسی و افلاک طور صدر تو شد روضه و اقبال حور

(روضه الانوار: ۱۱)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه:

مَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى (سوره طه، آیه: ۸۳)؛ ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟

موسی جانم ید بیضا نمود خاطر امعجاز مسیحا نمود

(روضه الانوار: ۹۶)

بیت بالا اشاره دارد به آیات ذیل: وَ اضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى (سوره طه، آیه: ۲۲)؛ و دستت را به گریبان ببر، تا سفید و بی‌عیب بیرون آید؛ این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است.

وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ (سوره اعراف، آیه: ۱۰۸)؛ و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد؛ سفید (و درخشان) برای بینندگان بود!

در پس هر طور نگر موسیئی بر سر هر مهد بین عیسیئی

(روضه الانوار: ۳۰)

مصرع اول تلمیح و اشاره به آیه شریفه: وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَا بِهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِاَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ اصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (سوره اعراف، آیه ۱۴۲).

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش. و (آن‌ها) را اصلاح کن، و از روش مفسدان، پیروی منما».

مصرع دوم اشاره دارد به آیه شریفه: وَ يَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصَّالِحِينَ. (سوره آل عمران، آیه ۴۶). و با مردم، در گاهواره و در حالت کهولت (و میانسال شدن) سخن خواهد گفت؛ و از شایستگان است.»

۴/۱۴. حضرت یوسف (ع)

یوسف مصـری ز غلامـان او جان عزیز آـمده قربـان او

(روضه الانوار: ۶)

مصرع اول تلمیح و اشاره دارد به آیه شریفه: وَ جَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَ اسْرُوهُ بِضَاعَةً وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ. (سوره یوسف، آیه: ۱۹)؛ و (در همین حال) کاروانی فرا رسید؛ و مأمور آب را (به سراغ آب) فرستادند؛ او دلو خود را در چاه افکند؛ (ناگهان) صدا زد: «مژده باد! این کودکی است (زیبا و دوست داشتنی)» و این امر را به عنوان یک سرمایه از دیگران مخفی داشتند. و خداوند به آنچه آن‌ها انجام می دادند، آگاه بود.

یوسف مصـر انـا امـلح توئی مهدی مهد انـا افـصح توئی

(روضه الانوار: ۷)

بی رخ یوسف بر اهل تمیز مملکت مصر نباشد عزیز

(روضه الانوار: ۴۸)

یوسف اگر آن همه خواری کشید از پی خواری به عزیز رسید

(روضه الانوار: ۵۱)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه: وَ قَالَ الْمَلِكُ اَنْتُنِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ (سوره یوسف، آیه: ۵۴)؛ پادشاه گفت: «او [یوسف] را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که

(یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد؛ و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی!»

قصه یوسف بر گرگان مخوان و آفت ایوب ز کرمان مـدان

(روضه‌الانوار: ۶۵)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه: قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (سوره یوسف، آیه: ۵)؛ گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می‌کشند؛ چراکه شیطان، دشمن آشکار انسان است!

یوسف او در بن چاه افتاد از پی خواری به عزیزی رسید

(روضه‌الانوار: ۷۱)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه: قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَ أَلْقُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (سوره یوسف، آیه: ۱۰)؛ یکی از آنها گفت: «یوسف را نکشید! و اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید؛ تا بعضی از قافله‌ها او را برگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند)!»

صبر کن و ز آفت کرمان مترس یوسف خود جوی و ز گرگان مترس

(روضه‌الانوار: ۸۲)

اشاره دارد به آیه شریفه: قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَ مَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَ لَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (سوره یوسف، آیه ۱۷). گفتند: «ای پدر! ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم؛ و گرگ او را خورد! تو هرگز سخن ما را باور نخواهی کرد، هر چند راستگو باشیم.»

مصرع اول تلمیح است به داستانی که ذیل آیه شریفه ۱۷ سوره یوسف آمده است. «گرگی بود دیرینه چون پیش یعقوب آوردند بعقوب او را گفت: ایها الذئب (فرا تر آی)، فرا آمد تا پیش یعقوب نشست، به حرمت سر در پیش افکند، خدای تعالی او را سخن آورد و گفت: لیبیک یا اسرائیل الله. یعقوب گفت: چه جرم کرده بودم که با من این کردی؟ که گویند یوسف مرا تو خورده‌ای و بر من رحمت نکردی، و مرا بسوختی؟ گرگ گفت: معاذالله یا نبی الله... به عزت آن خدای که تو را آفرید و نبوت داد که من فرزند تو را نخورده‌ام و ندیدم و نه از وی خبر دارم» (عقیق نیشابوری، ۱۱۶: ۱۳۷۰).

۴/۱۵. حضرت یونس(ع)

هست سخن اختر گردون جان نون سخن ماهی ذوالنون جان

(روضه‌الانوار: ۱۸)

در مصرع دوم «ذوالنون» اقتباس است از آیه شریفه: وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (سوره انبیا، آیه: ۸۷)؛ و ذالنون [یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت)، در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) صدا زد: «خداوندا!» جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم».

نتیجه‌گیری

تأثیرگذاری قرآن کریم تا حدی بود که توانست در همان نخستین بارقه‌های شعر و نثر فارسی نفوذ پیدا کند و پس از مدتی به اوج خود برسد. البته این تأثیر در ابتدا کم بود و به تدریج عمیق‌تر و گسترده‌تر شد. به‌طور مثال، تأثیر قرآن کریم در شعر رودکی، شاعر اوایل قرن چهارم، یا شعر مولانا و حافظ، شاعران قرن هفتم و هشتم، قابل مقایسه نیست. یکی از شاعرانی که قرآن کریم در آثارش نمودی چشمگیر یافته است، خواجهی کرمانی شاعر قرن هشتم است. خواجه در شعرش از این سرچشمه نور الهی با استادی کامل و مهارت قابل توجه بهره می‌گیرد. او می‌داند که به‌کارگیری آیات شریفه قرآن کریم موجب تأثیرگذارتر شدن سخنش می‌شود و می‌تواند در شعر خود از آن به‌عنوان دلیلی مستحکم در بیان مفاهیم و مقاصد مختلف استفاده کند. در بیشتر موارد در آثار خواجه اشاره مستقیمی به آیه یا لفظی از قرآن مجید نشده، بلکه به مفهوم آن اشاره گشته است. در منظومه روضه‌الانوار بیشتر از مفاهیم قرآن تأثیر پذیرفته است. بعضی از مفاهیم قرآن در آثار منظومه خواجه به فراوانی به کار رفته و تکرار شده است. از جمله مواردی چون حضرت خضر علیه السلام، معراج پیامبر گرامی اسلام (ص)، حضرت سلیمان(ع)، حضرت عیسی(ع) و حضرت موسی(ع) و... یکی از تمایزات اشعار خواجه در اشعارش نسبت به دیگر شاعران پارسی‌گوی، این است که در یک بیت شعر ممکن است به بیشتر از یک آیه التفات کند. در برخی موارد، خواجه به این آیات صبغه عرفانی می‌بخشد که این امر موجب آسمانی‌شدن و جاودانی‌شدن شعر او می‌شود. عصر خواجه از نظر علمی و ادبی دچار سقوط وحشت‌انگیز فکری و عقلی شده بود. از نظر اوضاع سیاسی و اجتماعی نیز اوضاع نابسامانی در آن عصر حکم‌فرما بود. ولی خواجه در این عصر بود که در اشعارش با به‌کارگیری آیات قرآن کریم به جا و بی‌نهایت استادی ذهن مردم را بیشتر به عرفان و قرآن آشنا ساخت.

باید متذکر شد، در این مقاله سیزده بیت به کلمه خداوند، سه بیت به کلمه قیامت، هجده بیت به کلمه بهشت، سه بیت به کلمه دوزخ، پنج بیت به حضرت محمد (ص)، یک بیت به معراج پیامبر (ص)، پنج بیت به حضرت آدم (ع)،

دو بیت به حضرت نوح (ع)، سیزده بیت به حضرت سلیمان (ع)، سیزده بیت به حضرت خضر (ع)، چهار بیت به حضرت عیسی (ع)، چهار بیت به حضرت موسی (ع)، هفت بیت به حضرت یوسف (ع)، یک بیت به حضرت یونس (ع)، تلمیح به آیاتی داشته است که در قرآن از آن‌ها نام برده شده است.

منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

قرآن کریم.

خواجوی کرمانی. (۱۳۹۱). دیوان اشعار خواجوی کرمانی، تصحیح: احمد سهیلی خوانساری، چاپ دوم، تهران: پاژنگ.
خواجوی کرمانی، ابوالعطا کمال‌الدین محمود. (۱۳۷۰). خمسه خواجوی کرمانی، تصحیح: سعید نیازی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات ایران. جلد سوم، تهران: چاپخانه رامین.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). فرهنگ اشارات. جلد اول، چاپ نخست از ویرایش دوم، تهران: انتشارات میترا.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). فرهنگ تلمیحات. چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوس.

عقیق نیشابوری، ابوبکر. (۱۳۷۰). قصص قرآن مجید، برگرفته از تفسیر سور آبادی. به اهتمام یحیی مهدوی، چاپ سوم، انتشارات خوارزمی.

یاحقی محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌ها در ادبیات فارسی. چاپ سوم، تهران: فرهنگ معاصر.

مقالات

قندی، محمدتقی. (۱۳۹۴). «تحلیل تلمیحات عرفانی در دیوان سلمان ساوجی». فصلنامه عرفانی اسلامی، شماره ۴۶.